گنجینهٔ دستنویسهای پهلوی
و
پژوهشهای ایرانی
۳۶

دستنویس ف ۲۳
نیرنگ دین، ابزارهای آثرونان و آرتشتاران و وستریوشان، مراسم تهیهٔ آب زور، نیرنگهای اورویس گاه و جز آن

به کوشش

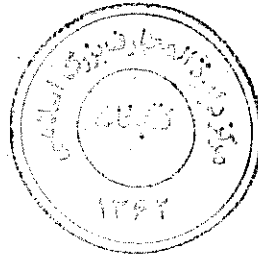
دکتر ماهیار نوابی   دکتر کیخسرو جاماسپ آسا

و با همکاری فنی

دکتر محمود طاووسی



از انتشارات
مؤسسهٔ آسیایی، دانشگاه پهلوی شیراز



از این کتاب یکهزار نسخه ، یکصد نسخه روی کاغذ شفاف رنگی و نهصد نسخه روی کاغذ سفید
درچاپخانهٔ دانشگاه پهلوی بچاپ رسیده ۲۵۳۵ شاهنشاهی

سرآغاز

اشارات دانشمندان و فیلسوفانی چون ابوریحان بیرونی و محمد زکریای رازی و شهاب الدین
سهروردی به حکمت خسروانی و فلسفه ایرانی، تذکر پلینیوس رومی درباره استفاده هرمیپوس یونانی
از کتابهای زرتشتی، مطالبی که در کتابهای قابل استنادی چون مروج الذهب، مجمل التواریخ و القصص
نامه های پیامبران بنی اسرائیل و احادیث اسلامی آمده است، وجود مراکز مهم علمی در نصیبین و رها
و تیسفون و جندی شاپور، ترجمه های باز مانده عربی از زبان پهلوی، پیدایش دانشمندان و فیلسوفان
و اندیشه مندان بلند پایه ای در دوران طلائی اسلامی یعنی دوران خلافت عباسیان، از این
سرزمین، که شمار آنها از دانشمندان هر یک از کشورهای اسلامی دیگر و بلکه از همه آنها روی هم بیشتر است.

وجود سنگ نبشته های پارسی باستان و پارسی میانه و پارتی، نامهٔ مینوی اوستا، آثار بازماندهٔ
مانویان به زبانهای پارسیک و پهلوانیک و سغدی و ترکی و چینی و قبطی و کتابهای پهلوی (= پارسیک
چندی که تاکنون بجای مانده‌اند، همه دلالت بر وجود فرهنگ و تمدنی بزرگ و درخشان، از دیرباز،
در سرزمین ایران بزرگ میکند که بر پایه‌های فلسفهٔ ایرانی استوار بوده است.

علت هرچه باشد، سیاسی یا اقتصادی و یا اجتماعی یا تغییر خط و یا همهٔ آنها باهم، قدر مسلم این است
که بسیاری از آثار مدون دوران ساسانی و آغاز دوران اسلامی ایران از میان رفته است، و عده‌ای
که از دستبرد زمانه رهائی یافته اند در موزه‌ها و کتابخانه‌های مهم اروپا و بیشتر در هندوستان و در کتابخانه‌های
پارسیان نگاهداری میشود. اینها میتوانند روشنگر زوایای ناشناختهٔ تاریخ و فرهنگ کهن ما
باشند. و از این رو نگاهداری و چاپ و انتشار آنها و تشویق دانشمندان به مقابله و تصحیح و ترجمهٔ این گنجینه‌ها
که ما را به شناخت بیشتر زبان فارسی و غنای آن در بیان مفاهیم یاری میکند، بر ما واجب است.

و باز از این رو بود که هنگامی که دو دانشمند ارجمند من استاد دکتر ماهیار نوابی رئیس مؤسسهٔ آسیائی

دانشگاه پهلوی پیشنهاد کرد که برای بزرگداشت پنجاه سال شاهنشاهی خجسته دودمان پهلوی و شادی روان بنیان گذار آن پنجاه نسخه خطی پهلوی را از سوی مؤسسه آسیائی دانشگاه پهلوی چاپ و منتشر کنیم، این پیشنهاد را از دل و جان پذیرفتیم.

این پنجاه جلد کتاب پهلوی و کتاب بارگاه رضا هدیه ایست که در این آیین ملی برگزاری جشن پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی با فروتنی به پیشگاه شاهنشاه آریامهر ریاست عالیه دانشگاه پهلوی و علیاحضرت شهبانو فرح ریاست عالیه مؤسسه آسیائی دانشگاه پهلوی تقدیم میشود.

فرهنگ مهر —
رئیس دانشگاه پهلوی

دیباچه

مؤسسه آسیائی وابسته به دانشگاه پهلوی افتخار دارد که بزرگداشت
پنجاهمین سال شاهنشاهی دودمان پهلوی را، مجموعه‌ای، در پنجاه جلد، از دستنویسهای
پهلوی و اوستائی و پژوهشهای ایرانی چاپ کند و به دوستداران فرهنگ و
ادب ایران تقدیم دارد.

در تابستان سال دوهزار و پانصد و سی و سه شاهنشاهی، در گروهی سخن از خدمات
برجستهٔ رضا شاه بزرگ بدین سرزمین و روز تاجگذاری وی (چهارم اردیبهشت ماه
۱۳۰۵ هجری خورشیدی) میرفت، در آن هنگام اندیشه چاپ مجموعه‌ای از متن‌های
پهلوی یادبود پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی را از خاطرم گذشت و سپس این اندیشه را
با رئیس دانشمند دانشگاه پهلوی جناب آقای دکتر فرهنگ مهر، که از شیفتگان
فرهنگ ایرانند و از یاری بشناساندن این فرهنگ کهن هیچگاه دریغ نکرده و
نمی‌کنند، در میان گذاشتم تا اگر در این اندیشه با من همداستان باشند مراتب را

به شرف عرض شهبانوی فرهنگ پرور ایران، ریاست عالیهٔ مؤسسهٔ آسیائی برسانند
مگر اجازه فرمایند تا مؤسسهٔ آسیائی بدین کار شایسته دست یازد.

جناب آقای دکتر فرهنگ مهر با پیشانی گشاده و آغوش باز از این اندیشه استقبال
کردند و مراتب را به شرف عرض شهبانوی ایران رساندند و دیری نگذشت که فرمان
علیاحضرت شهبانو بدین کار نیک شرف صدور یافت و به مؤسسهٔ آسیائی ابلاغ شد.

شورای استادان مؤسسهٔ آسیائی، با الهام از نام خاندانی، که جشن بزرگداشت
شاهنشاهی آن را، مردم ایران امسال برگزار میکنند، چاپ کردن کتاب یا
دستنویسهای پهلوی را در درجهٔ اول اهمیت قرار داد. کشوری که در آن بیش از هر کشور دیگر جهان
به دستنویسهای پهلوی و اوستائی دست یافت، کشور هندوستان است. هر چند بدبختانه
هوای گرم و نمناک آنجا با کتاب سازگار نیست و کاغذ را زود شکننده و تباه میسازد و میپوساند.
در فهرستی که جمشید کاووس جی کاتراک به نام «گنجینه های شرقی» (ORIENTAL
TREASURES) گرد آورده و به سال یکهزار و نهصد و پنجاه و نه میلادی (دو هزار و پانصد شاهنشاهی)

به چاپ رسانده است. از بیش از یکهزار دستنویس ایرانی و هندی نام برده که اکنون برخی
از آنها از میان رفته است، و این، نه تنها بواسطهٔ آب و هوای هندوستان بوده، بلکه بی توجهی
و نادانی هم در نابودی آنها بهره‌ای بسزا داشته است. گردآورندهٔ فهرست یادشده به نگارندهٔ
این سطور میگفت: «سی سال پس از چاپ آن فهرست گذارم بکتابخانه‌ای افتاد که خداوندان صاحب
چندین دستنویس پهلوی و اوستائی بوده و من آنها را دیده و پژوهیده و نام آنها را در فهرستم آورده بودم،
خداوندخانه بجهان دیگر شتافته بود و چون از کدبانو سراغ دستنویسها را گرفتم، وی آنها را از راه
دینداری و برای آنکه مبادا برگ پاره‌های آنها زیر پا بیفتد و برای وی گناهی بزرگ بشمار آید به آب دریا سپرده بود.
با این همه، هم اکنون، چندین صد دستنویس پهلوی و اوستائی در هندوستان هست
که تقریباً همه از روی دستنویسهای کهنه‌تر رونویس شده‌اند. بیشتر آنها روزگاری از آنِ کتابخانه‌های
شخصی بوده و رفته رفته به کتابخانه‌های عمومی و مؤسسات راه یافته‌اند تا بیشتر و بهتر از آنها نگاهداری شود
و کمتر در معرض نابودی قرار گیرند. از این کتابخانه‌ها میتوان کتابخانهٔ مؤسسهٔ شرقی کاما و کتابخانهٔ
«نخست دستور، مهرجی رانا» را نام برد که صاحب مجموعه‌های گرانبهائی از دستنویسهای پهلوی و اوستائی‌اند

پاره ای از دستنویس ها نیز توسط شرق شناسان به کتابخانه های مهم اروپا رسیده اند که مهمترین آنها مجموعه دستنویسهای اوستا و پهلوی « دوازده جلدی کپنهاک است که توسط شرق شناسی بنام وسترگارد به اروپا برده شد و جانشین او کریستین سن CHRISTEN-SEN آنها را چاپ کرد و بر آنها دیباچه نوشت . این کتابها اکنون بسیار کمیاب و چند مجلد آن نایاب است .

برای انجام دادن فرمان ، از دوست دانشمندم دستور کیخسرو جاماسب آسا ، دستور بزرگ شهر بمبئی و رئیس کتابخانه « موسسه شرقی کاما » یاری خواستم تا از هیأت امنای کتابخانه های « موسسه شرقی کاما » و نخست دستور مهرجی رانا » اجازه عکسبرداری از دستنویسهای پهلوی شان را بگیرد و اگر خود یا دوست ناشر دستنویسهای ارزنده دارند بر آنها بیفزاید ، کار گزینش دستنویسها برای عکسبرداری نیز به عهده وی واگذار شد تا آنچه را مهم و میسور می داند برگزینند . این کار به دشواری انجام گرفت چه دستنویسها از طرف هیأت امنای کتابخانه ها و خاندان انگلساریا که چند دستنویس از این مجموعه متعلق به آنان است) تنها به او سپرده شده ، و وی ، امانت داری را

رنج سفر بر خود هموار ساخت و با دو جامه‌دان پر از کتاب به ایران آمد، سه ماه تمام از بام تا شام،
در چاپخانه های دانشگاه پهلوی شیراز و دانشگاه تهران گذراند و در همه جا با دستنویسها همراه بود؛
من و همدستانم از مؤسسه آسیائی نیز همه جا با وی همگام بودیم تا کار عکسبرداری سی و چند دستنویس
بپایان رسید، دستور کیخسرو مجبور بود به بمبئی بازگردد ما نیز برای تطبیق عکسها با دستنویسها و رفع کمبود آنها
در پی وی به هندوستان رفتیم تا این مهم انجام شد. نامه‌ای نیز به پروفسور آسموسن استاد دانشگاه کپنهاک
نوشتم که اجازه تجدید چاپ دستنویسهای کتابخانه کپنهاک را از ناشر نخستین آنها - MUNKS
GAARD بگیرد. اجازه گرفته شد و نامه‌ها به چاپ رسید.

مؤسسه آسیائی سپاس و درود فراوان خود را به پیشگاه شهبانوی فرهنگ پرور که
با فرمان خود این افتخار را نصیبش ساخته، تقدیم می‌دارد.

از جناب آقای دکتر فرهنگ مهر رئیس دانشگاه پهلوی که در راه پیشرفت کار از هیچ یاری
معنوی و مادی دریغ نکرد سپاسگزار است.

از دستور کیخسرو جاماسب آسا که با یاری وی چاپ این مجموعه پنجاه جلدی میسور میشود

سپاسگزار است .

از پروفسور آسموسن که اجازهٔ چاپ مجموعهٔ اوستا و پهلوی کپنهاک به پایمردی او انجام یافت سپاسگزار است .

از دکتر بهرام فره‌وشی مدیر عامل ادارهٔ انتشارات دانشگاه تهران که چاپ کردن بیست و چند جلد از این مجموعه را در چاپخانهٔ دانشگاه تهران پذیرفت و چاپ آنها با مشاورهٔ فنی وی میسر شد سپاسگزار است .

از دکتر محمود طاووسی که تطبیق و ویراستن و آراستن هر صفحه از تمام این مجموعه بدست وی و با مشورت وی انجام شد سپاسگزار است .

ماهیار نوابی

استاد و رئیس مؤسسهٔ آسیائی

پیشگفتار

دستنویس ف۲۳ F23 جزء مجموعه‌دستنویسهائی‌است‌که‌دستور ایرج جی سهرابجی مهرجی رانا به کتابخانهٔ نخست دستور مهرجی رانا ــ نوساری ، هدیه کرده است اندازهٔ آن ۲۰/۵×۱۵ سانتیمتــر است ، ۲۱۲ صفحه دارد که بر هر صفحه‌ای ۱۰ سطر نوشته شده است . رنگ کاغذ آن سفید و آبی است . متن‌های گوناگونی‌دارد که پاره‌ای از آنها‌به‌گجراتی است و بیشتر آنها‌در این‌کتاب چاپ نشده است . متن‌هائی کــه در اینجــا بــه چاپ رسیده است عبارتند از .

دستورها و تشریفات دینی‌نیرنگ‌دین ، پایان‌نویسی‌که در دستنویس هوشنگ سیاوخش پیش از آغاز یسنا آمده است ، ابزارهائی که آثرونان و ارتشتاران و وستریوشان به کار میبرند ، ابزارهائی که در مراسم یسنا و آئین آماده ساختن آپ زور ap zohr به کار میرود آئین دینی تطهیر شاخه هوم ، نیرنگیهای اورویس گاه ، (تشریفات‌مقدماتی‌مراسم یسنا) و نامه‌ای‌که دستوران و مردم دیگر (از پارسیان) در روز هرمزد ماه امرداد ۱۰۸۹ یزدگردی (۱۷۲۰ میلادی) به‌دستوران‌ایران‌نوشته‌اند . همهٔ متن‌هائی راکه‌پایان‌نویس‌جداگانه داشته‌اند دستور ایرج جی سهرابجی مهرجی رانا به خط فارسی برگردانده است .

ایــن دستنویس را ب . ن . دابار در فهرست توصیفی همه دستنویسهای کتابخانه مهرجی رانا ــ نوساری وصف کرده است .

ماهیار نوابی

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

این کلام بر سر نیزش نوشته است این را نقل کردم

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

هوشنگ سیاوخش

شهریار بخت آفرید شهریار

ار رز نسخه هیربد مهروان

سفندیاد مهروان رو رز نسخه نوشته

هیربد ماه پناه آزاد مرد

پناه رز کازرون نام شهر

رستم داد اورمزد نوردخت رز

فرخ زمین اصفهان رز رود دشت

سروشیار

شاپور

شیراز

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

تمت الخیر بروز باد بماه اردیبهشت بسال هزار و دو صد و
پنجاه از شهنشاه یزدگرد شهریار کاتب و مالک این کمترین

ایرج بن دستور سهراب جی بن دستور کاوس جی لقبه دستوران
دستور مهرجی رانا ساکن قصبه نوساری این را در شهر منبئی نوشته

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ને·પનખો·નીચેથી·શાંકરો·એવા·હોય·

[illegible]

ને·ઉપરથી·ગોળ·અલગલાં·હોય·

તેના·પાંસળો·

[illegible]

[illegible]

તેના·છુટો·અથવા·કોઠારારા-

[illegible]

તેના·ફરવાના·વેકરવાનો·પાસાંનો

[illegible]

દેવ·એ·ડીઆરાર·અધેરનાનનાંઇ

[illegible]

મદીન· જ્યાંમ· કાદૂણ·

[illegible]

રાબક·બરદેસ્તનરોબ·મારયાનો·

[illegible]

મરોપ·ઈરાન·નારા·ર·દેરપાનો·

[illegible]

કાઉશ્નોનીમ·ખ્વરશીદ·દીનન·રાહે·કરદેની·

[illegible]

નરાંતો·હોમ ગાલચાનો·સુરાબદાર·

બહરામ બાંધેલી · [illegible]

[illegible]

અરદેશીર તારના કુશ્તી અરતારના ફેડેઇ

પેહેલા નેબો · · [illegible]

બીજી નવખાર · [illegible]

ત્રીજો ગારગ · [illegible]

ચોથી ફરાન · [illegible]

[illegible]

પાંચમું જગની ખોરદેહ · ઇતરે

છઠ્ઠી તરદીદી · ઇતરે [illegible]

ત·ફરી·તે·લોઢાડાંનાંઆંધણી. [illegible]

[illegible]

છઠો·તીર·ગાધરા·શાખે·

ધાગુની·તળહીફ· [illegible]
રદછ·ત

[illegible]

ફડી·૩૦ લોઢાડાંનાં·આધીણી·શાખે:

શાતગુ·બખતર· [illegible]

તાપ·શાખે·ફડી·દાર·ધલગો [illegible]
લી·બખતરશાખે·ટોઈણુડી·

નવગુ·પેદાંગ·ઈમાતે·સે [illegible]
ટેલતો·

દશાળી·ટાપ·શાસ્ત્રધાર· [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] —

તેતરીશ·આબાતની·વીગત·ભાભની·ઉપરથી

૧ કેબીઓ ૧ હોમનુ ૧ કેબીઓ ૧ ભરનું

૧ કેબીઓ ૧ પરસનું ૧ તશતો ૧ જુપાંમના

૧ તશતો ૧ ગુશાપદાર· ૧ તશતો ૧ પરસ·દાંડીવાળા

૧ તશતો ૧ હોમસરી·કુરપરામનો

૧ હાઉઅનીમ ૧ લાલા ૨ માહાકુઅ

૧ ભરસમ ૧ એવીઆંગાન ૧ પરસ·

૧ વીટી·પરસની ૩ હોમસરીના·ગાડ

૨ કુકુઅરાંમ ૧ તાઅ·૧ જુપાંમના·તશતાના
નો

૧ તાઅ ૧ માહાકુઅના ૪ગા·ઉપરનો

૧ પરાહોમ ઈઆને હોમ ૭।। લેલા

૨ હોમ· ૧ જ્યામ· ૧ દરૂન

૧ ગાશાદા· ૧ નેર· કુસીઆંમાંછેત

૧ હીદોલા ૧ છુરી· પરશામ· ચીનની

૨ પરાહોમનુ· કુનીઊ· આન· તઊપર· દાઇપાનીરકાબી

૧ કુંડી·

[illegible]

[illegible]

یعنی نر

[illegible]

یعنی خصی ناکرده

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نثر یعنی فرود

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شبستان نیغ زنایند بردو اندر یزشن مرقوم

[illegible]

همچنین یشت

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

આજે·નીરંગદીનની·કરીઆ·પેહલવીમાં·
લખીછે·તે·મુલાંફીરોઝ·કોતબખાનાંમાં·એક·
વંદીદાદનું·કરીઆસાહેનું·દફતરછે·તે·સાલે·(૧૭)
નવશાં·શાતેઆશીથી·ઇજદજરદીનાં·સાલમાં·
ઉશાનામ·રોહરીઆર·અસ્પંદદાદ·બેહેરામ·મે
હેરપાંન·ઇરાંનીએ·હાથનો·ઇરાંનીનો·લખેલોછે
તેહની·શોધરે·એ·નીરંગદીનની·કરીઆ·પેહલ
વીમાં·લખેલીછે·તે·ઉપરથી·કું·કમનશીન·એર
વદદસતુર·શોહરાબજી·બીન·દસતુર·કાઉશજી
મેહેરજીરાંણાંએ·સાલ·બારદાદ·માહ·આદ
ર·સાલે·૧૧૪૦)ઇજદજરદીનાં·પરસમો·નકલ·
કરી·બાંધીછે·જેમ·તેહમાં·હતું·તેમ·બરાબર·નક
લ·કરીછે·ઇજદજરદીનો·પરમેશ્વરસરંદીન·બ·કામ.

બાદ·

[illegible]

بادیا و اندک اندر کنش [illegible].

کوشیشه پر بکند [illegible]. [illegible]. آنجا

دک دارش [illegible].

اندر راه [illegible].

[illegible] نهش [illegible]

[illegible]

[illegible]

معلوم دستوران اینجانب بوده باشند که بهدین کاوس هوم
طلب نمود جهت آن دینداران فرستاده‌ایم باید که دران جانب
دستوران

دستوری کشتی افزودن بواج در هوم گشودن وقت یزشن

سه گره گرفتن و بدست چپ گرفتن : [illegible]

[illegible]

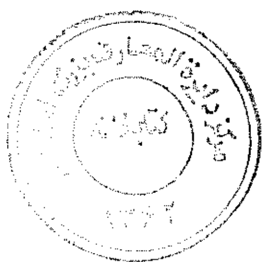
[illegible]

[illegible]

[illegible]

تمت تمام شد این مکتوب بابت بهدین کاوس بن ماهیار

بکنبایتی هر که خواند دعا کند :



[illegible]

نیرنگ یشتن

کسی که نیرنگ آب پادیاو گیرند نخست برشنوم بە اماید شستن که
شیشه دو عدد باشد پادیاو کنند و خشک کنند و یکی از
نیرنگ آب و یکی از نیرنگ پادیاو و پارچهٔ کرباس شستن و
پادیاو کردن که نیرنگ پالیدن و نیرنگ از گادنر باشد و باکرباس
پالیدن و بشیشه کردن و سر شیشه محکم کردن و دستوریکه نیرنگ
یزند و سر و تن شستن و جامهٔ پاک بازیر کشتن و کشتی نو
پوشیدن یشت سه پیوند و نابر سه پیوند کنش اگر سه دستور
باشد بهتر و دستوریکه استوار تر باشند و دین آگاه تر و وندیداد

سروش کردن و دراسنی پشت ساختن و نیرنگ و آب بیاورش

از دست راست از سر برسم تهه آدشت و اندرک به نهش

و نیرنگ یاد یا و یکبار آب و نیرنگ گذاشتن و دیگر زود دست

شستن و پنج [illegible] گفتن

و دراسنی [illegible] زود [illegible]

[illegible] گفتن [illegible]. دست به آدشت گرفته و نگاه باندران

به رنگهای شیشه کرده و دراسنی واج گفته و دست از برسم

برداشته و زود [illegible] اشم وهو بهمان دستور خواندن و آدشت

شستن و زود بواج نیرش یزدان خواندن و [illegible].

[illegible] خواندن تا [illegible]

[illegible]. نگاه باندران شیشه‌ها کردن و پای راست از زود نگاه

رفتن نیرنگ همی نگرید [illegible]. به نکرشن [illegible]

[illegible]. به نکرشن

[illegible]. به نکرشن و چهار یتااهوویریو دهربار

به نکرشن به [illegible]. نیرنگ به نکرشن [illegible]

[illegible]. اشم وهو نیرنگ به نکرشن

[illegible] تا سر

نیرنگ به نکرشن [illegible]. راسپی گفتن و سر

پیرگرد یا زود اندران شیشه‌های نیرنگ خوب به نکرشن و

پیرگرد نورد هم آنجا که [illegible]. صدگونه و یتااهو

و در نو هادیست کو بنه نوشته که سیصد سنگ بپادیاو خشک کرده

بر دو لیست به شیشه نیرنگ دو بار افکندن و صد بشیشه

آب افکندن و بعضی دستوران گفته اند که نه اوایه افکندن و چهار شیشه

در نه سنگ به نیرنگ افکندن و شش به نیرنگ پادیاو افکندن

و سه بشیشه آب افکند و دیگر گرد هر دهم را سفی دراج گفتن و اوستای

گاه هاون خواندن و آب تازه راندن و دیگر گرد نوزدهم نه سنگ

پادیاو خشک کنند و زود دست بپادیاو کند از جمله سیصد

اشم وهو و یتا اهو یک سنگ از اندران شیشه نیرنگ انداختن

و دو سنگ از نیرنگ پادیاو انداختن و یک سنگ از شیشه

آب انداختن تا نه سنگ تمام شود شش سنگ به نیرنگ شیشه

پادیاو

بادیاو انداختن و سه سنگ از شیشه ی نیرنگ بینداختن و ورندید

تمام خواندن [illegible]

[illegible] سر شیشه ی نیرنگ و آب محکم کردن و نگاه داشتن

که دست نرسد در روز نیرنگ گرفتن بشب نشاید در اول و آخر

گیج هم نشاید گرفتن و شیشه میباید پر شود از سر بریزد و شیشه

ناتمام نشاید بشب نیرنگ از جای خود نشاید جنبانیدن و

خورشید که فرو شد نشاید نیرنگ از جای دیگر بردن نشاید که

به روی هم بریزند . فر یزدان و امشاسفندان کامه باد .

تمام شد

نیرنگ برسم چیدن

نخست هفت شاخ برسم پاک باید کردن و برسمدان و دست
به یادیاو کردن و چنان سازد که از نزدیکی آب تا برسم هفت گام
بیشتر نباشد در پیش درخت بباید ایستادن و چون برسم
می چینند پشت بر برسم پاک نکنند که هیچ کار نشاید و برسم چیدن
میباید که شاخی که سه تاک برسم داشته باشد پیدا کند و دست
راست با کارد از سر سه تاک برسم گذارند [illegible]
[illegible]
[illegible] هر گاه که باشد [illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

تا سر [illegible]

[illegible] داررو درخت همان به نگرشن و

برسم سه بار نماز بردن و سه [illegible] اراید خواندن

[illegible]. که میگوید سر برسم اراید داشت [illegible]. میان

برسم کارد میزند [illegible]. برسم به چیند تا سه تاک

برسم به این آئینه چیده شود هماکه یک تاکی ارا دیا و به بیداش

وراج اوراج کیرشن کش سه تاک به اوستا به چیده شود و هر تاکه

ارا دیا و به بیداش وراج ال کیرشن و بعد از آن هر شاخی که برسم باشد

به چیدنها و عیبو یا نکهن بچینند بدازان بیاید و واج بکوید و آن

شاخ که برسم سه تاک چیده اند بگیرند [illegible]

[illegible] . تا سر [illegible]

[illegible]

[illegible] . باید که روی بسوی واختر نباشد چه

واج میخوانند باید که سر برسم سوی واختر نباشد و برسم که

میچینند بُن و سر برسم می نکرد اول بُن برسم بر باید چیدن

از بالای برسم بمقدار یک دانهٔ جو بیشتر نه بُرد که بکاری

نیاید و واد یاب بود و از بُن برسم اگر بیشتر به بُرد شاید باید

که برسم طاق باشد و چون واج تمام خواهد گفتن برسم ببرسمدان

کند

کنند و جای خویش نهد [illegible] یک [illegible]

[illegible] تا سر گفتن [illegible]

تمام شد

نیرنگ برسم شستن

گاهی نه پیدا فه کرده فه گاه ها ون شوییده رش ور او آتش پیش

کنش [illegible]

هر گاه که باشد [illegible]

[illegible]

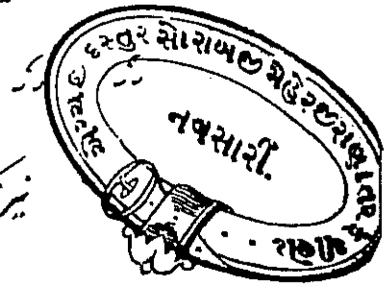
اشن وراج فراج گیرشن [illegible] بگوشن

اُشن سه بار ارج بن او سر شویشن اُشن یکی دو دیگر بگوشن

آتش ایبارج سر پیش به اوزبن شویش آتش ایدون که هر

باری او هر جای پادیاو ارز برسید که فرسه بار ایبار برسید آشاید

رک رک تمام شد رک رک



نیرنگ برسم بستن

[illegible]

۶۴. [illegible] بسه کفتن [illegible] هرگاه که بباید کفتن

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] تا سر گفتن بن برسم بستن [illegible]

[illegible]

[illegible] . [illegible] . عیو یا عنکین ازر میان برسم

نهادن [illegible] . یکی گفتن [illegible] . [illegible] . میان

[illegible] . س چینذن [illegible] . [illegible]

[illegible] . دو گفتن دفهر [illegible] . [illegible]

کره چین فرکستی ازر برسم افکندن [illegible] . [illegible]

[illegible] دو گفتن [illegible] . [illegible]

[illegible] . [illegible] . [illegible]

[illegible] . اشم وهو فرسرنه ازاید گفت

تمام شد

نیرنگ هوم چیدن

بدستور برسم چیدن و واج گرفتن و بهمان دستور چیدن و سه

کره هوم اول که به آتش رهو چینند در میان انگشت نگاه دارید

و هر چند که خواهد چیدن و فه هوم دان کردن و بهمان شاخ بستور

برسم چیدن واج بگفتن آن سه کره هوم را هم بهومدان کردن

و سر هومدان محکم کردن و دست از هوم دان جدا کردن و

واج تمام بگفتن که هوم شوییند [illegible]

[illegible] . هر گاه که بیید [illegible]

[illegible]

[illegible] آتش واج فراج گیرشن [illegible]

[illegible] بکوشن آتش هر باری دست رجامه فه پا دیا و برزیشن

تا اندر

تا اندر او کار کرفت که همی اپادیاو به بید زش فه اوستا

اواج شوئیشن کش اندر او کار کنند او اشستن کار نیست

تمام شد

ارورام چیدن

نخست پای اُرورام خالی کردن و آب پادیاو کردن و اُرورام

شستن [illegible]

[illegible] . یک گفتن و دیگر بار آب پادیاو

کردن و دست و کارد و ارورام پادیاو کردن و ارورام تراشیدن

و اندکی سر ارورام برداشتن سه دیگر بار [illegible]

[illegible]

یک کفتی و آب پادیاو کردن و دست و کارد و ارورام

شستن و [illegible] . سر ارورام چیدن و به [illegible]

کارد اندر میان نهادن و به [illegible] . چیدن

[illegible] . [illegible] . تا جای کفتی و اندر ارورام دان

نهادن [illegible] تمام شد [illegible]

نیرنگ جام گرفتن

جام دان پادیاو کردن و پر آب کردن و به آن آب پستان

گاو ایا گوسفند شستن و دست راست به پستان گرفتن

و جام دان بدست چپ گرفتن به پیوند دست راست [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]. [illegible] گفتن [illegible]. کاه آن بید

اگر کاه را یا گوسفند یک بید [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]. اث [illegible] اگر دو بید [illegible]

[illegible]

[illegible]. اث

[illegible] اگر سه بید یا کله بید [illegible]

[illegible]

[illegible]. اث

[illegible]

[illegible]. تا سر گفتن و پس [illegible]

[illegible]. اندکی دور شد [illegible]. اندکی دور شد [illegible]

[illegible]. اندکی دور شد [illegible]. اندکی دور شد [illegible]

اندکی دور شد [illegible]. اندکی دور شد [illegible]

[illegible]. اندکی دور شد [illegible]. اندکی دور شد [illegible]

[illegible]. اینجای هر چند که خواهد دور شد و همان پستان

که اول دور شیده که واج گرفته اندکی دور شد [illegible]

[illegible] که گوید هما کار یا گوسفند بنگرد به هر واج یک

دوش بر دور شد تا سر آخر و پس هر چندان که خواهد بر دور شد و پس

به آن

به آن پستان که وراج گرفته به آخر از همان پستان جدا نکند و

گوید [illegible] . دست بهمان پستان جدا نکند

[illegible]

[illegible] تا سر گفتن رجامران

محکم کردن رجای نهادن وراج تمام گفتن ٫٫ ٫٫

تمام شد

نیرنگ زور گرفتن

آب پادیار کردن و سوکره، زوردان پادیار کردن و سرساله،

آب بر دست راست و زوردان بر دست چپ گرفتن [illegible]

[illegible]

[illegible] کاه آن بید [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اث [illegible]

[illegible] تاسر کفتن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] . اور آب [illegible]

آب کردن زوردان باشد ریختن [illegible] . پادیاوانز

دارشن و [illegible] . زوردان پُر آب کردن [illegible]

[illegible] . از آب اُل دارشن [illegible]

[illegible] اندر راهی [illegible]

[illegible] . آنجای بهرشن [illegible]

[illegible] . اث [illegible]

[illegible] . اث [illegible]

تمام شد

نیرنگ فراهوم گرفتن

که فراهوم کیرند اسم و بوی یک تاک اج گسته راست به نهش

و هوم و ارورران قو چیدنش به پیدا نیشن و هوم فه کسته سه گره

وفه وشیشته بیست و یک گره ارورران اندر آب همی نهش تا

اوراج او به هوم آیید فه یا دیاو که از آن زور اوا شو بید اشتا

که یک دو دیگر فه این کار ال شو بید اشا یه و بس [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] کردن دست [illegible] کره هوم بالا ازروی اُرویس بربالا

داشتن [illegible] بُن کُشتن اُتش [illegible]

به نگرشن [illegible]

[illegible] چشم اندر هوم کشتن [illegible]

[illegible]

[illegible] چشم اندر برسم کشتن [illegible]

[illegible]

[illegible] چشم اندر اُرورران کشتن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] چشم اندر زور کردن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] چشم اندر باور کردن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] چشم به برسم

افکندن [illegible]

[illegible]

[illegible] اسم ر بود به نگرش [illegible] آتش به

نگرش [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] چنین اینست نوشته خواندن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سوکره هوم بالا اور روی اُرویس نهادن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] بارن نَشنیدن رشکافتن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

روز و ماه گفتن

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] یارن واستنشانیدن [illegible]

[illegible] هوم و ارزورام

اندر یارن نهادن [illegible]

[illegible]

[illegible] اَت اوره [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

گفتن و راسم بر دنهاده آتش اوره برشن [illegible]

[illegible] دسته بارن از ارویس بر داشتن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] چشم انور او اختر افشانیدن

[illegible]

[illegible] چشم و روی اندر او اخترافشانیدن [illegible]

[illegible] چشم و روی

اندر او اخترافشانیدن [illegible]

[illegible] چشم اندر او اخترافشانیدن [illegible]

[illegible] دسته از روی کنک

اُرویس برداشتن و سه بار برسر باژن زدن یکی ازانکه

خورشید برآید و یکی نیمروز و یکی ازانکه آفتاب فرورود و

دسته برست نگاه داشتن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]. دسته چهار انگشت بالا بردن و دسته فرود

آوردن و بر روی هاون نهادن و گردانیدن مثالیکه خورشید

میگردد و پس چهار [illegible]

کفتن و یتا اهو وریو اول به [illegible].

یکبار هوم و اُرورام کوفتن [illegible]. یکبار

[illegible]. یکبار تا [illegible]. و پس

دسته چهار انگشت ازهاون جدا کردن و بالا داشتن و به

یتا اهو وریو دویم هم این واجها هر واجه دو بار کوفتن

تا سر و یتا اهو وریو سیوم دسته بالاتر داشتن و هم

این واجها را واج دسه بار گوفتن و دست چهار انگشت

بالاتر داشتن براست گوش و به یتا اهو وریو چهارم

همراه گوفتن و باون شکافتن تا سر [illegible]

[illegible] چهار بار گفتن همراه هوم و اروارام گوفتن و باون

شکافتن [illegible] چهار بار

گفتن و هوم و اروارام گوفتن و باون شکافتن [illegible]

[illegible] سه گفتن و بهر [illegible] یک پاره زور

اندر باون ریختن و پس [illegible]

[illegible]

[illegible] باون چون خورشید گردد سه بار بگردانیدن

٠٤١٠٤٦

[illegible] هوم و

اژ وروام کوفته اندر سر دسته هاون نهادن و بسوی چپ برسم

دورس بردن و بر ورس هر برسم نهادن [illegible]

[illegible] چهار گفتن و هوم و اوروام کوفته

به آب زده اندر کردن بروي هوم پالاي بالای سوکره فه

[illegible] افشاردن بهر چهار بیتا اهوورئیو

این چنین کردن [illegible] اژ [illegible]

هوم و اوروام افشاردن و هر بار فه [illegible]

[illegible] هر سه بار به این آئینه کردن و پس دسته

اندر هاون نهادن و سوکره فرا هوم خوره بروي هاون نهادن

[illegible] . تا [illegible]

[illegible] . آن سوکره که زیر هوم پالا نهاده است کش آب فراهوم
اندر است بدست راست برداشتن و یک قطره بسوکره بر
روی هاون کردن و باقی اندر شیشه فراهوم دان کردن و باز
یک قطره اندر سوکره روی هاون انداختن و دیگر باره هوم
پالا بر روی آن سوکره نهادن و قدری آب پادیابی بهوم
پالا ریختن و افشاردن و مالیدن هوم و ارورام را و یک
اشم وهو خواندن تا سوکره پر شود و باز همان آئینه یک
قطره بسوکره روی هاون کردن و باقی اندر فراهومدان
کردن و باز یک قطره بسوکره روی هاون کردن و سه
اشم وهو

پاشم و هو هر سه بار به این آیینه کردن و پس فراهومدان محکم

کردن و بجای پاک و محکم نهادن فراهومدان هر چند آبگینه تر است

پاکتر و بهتر است پس دست به برسم و ورس نهادن و زود

واج گرفتن و راسفی واج گفتن دست از برسم و ورس

و واج داشتن آنکس که یشت کامید کردن دست فه پادیاو به

کنشن واج اج راسفی کش فراهوم گرفته بید فراج گیرید و آدر

گاه نشستن راسفی کش فراهوم گرفته بید دست فه برسم و

ورس دارید چنین یشت ساختن فه واج گوشن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] . [illegible] . دست اج برسم

وورس اواج دارشن فه فراهوم گرفتن : هنگام یک [illegible]

[illegible] . ب گوشن [illegible] . [illegible]

[illegible] . ب گوشن [illegible] .

[illegible] . ب گوشن وورس و ورسمدان فه دست

دارشن برسم فه دست کردن نیرنگ تا افدام ؛ ؛

تمام شد

نیرنگ ورس بختن

نخست دیگ فه پادیاو کردن و زوری اور گرفتن سه ریشه

ور آتش ورهرام اندر افکندن پس واج اور مزد و خدا گرفتن

ودات

و دست و ورس به پادیاو کردن و سه [illegible]

اج سر تا او عه بن شستن فریک [illegible]

اج بن او عه سر شستن اوره حلقه کردن و اندر دیک نهادن [illegible]

تا جوش اور آورد بید چون به جوش آید پنجاه و یکبار اور

شمردن اج آتش اور گرفتن بر سم چاین اج دیک اور آوردن

و دو دیکر همچنین بیش ببید پس از حلقه به گشادن و دست

و ورس به پادیاو کردن و اج اور خرد گرفتن سه اشم وهو

اج بن او سر شستن و فر حلقه کردن و جای فر پادیاو بر کردن

و ورس حلقه کرده هزار و یکبار به آب بردن و اواج آوردن

و شستن پس همچون که حلقه بود بکار بردن : فرجام یافت ش

تمام شد این نیرنگهای اروپگاه بروس ایران یک کتاب

در کتابخانه ارباب فضیلت پناه و دانش دستگاه خورشیدجی رستم جی

کاماجی نوشته ایران بود ازان کتاب نقل کردم و دران کتاب در

روستا اشم وهی و یتا اهی و وریو نوشته بود بجای آنها اشم وهو و

یتا اهو و وریو نوشتم و دیگر هیچ تفاوت نیست کاتب و مالک این

حقیر ایرج جی دستور سهراب جی بن دستور کاوس جی الملقب

بدستوران دستور بزرگ مهرجی رانا ساکن قصبه نوساری یزدان

و امشاسفندان کامه باد ایدون باد ایدون تر باد ۰۰

تمت الخیر بروز مبارک اردیبهشت و ماه دی سنه هزار و دوصد و

چهل و پنج از شاه یزدگرد شهریار ساسان تخمه خجسته ایران

در اصل کتاب

در اصل کتاب نام کاتب و تاریخ و سال هیچ ننوشته بود بسبب

آن ننوشتم

این مکتوب از هندوستان بایران نوشته بود

فرشته خصلتان و ملایک اقتداران و خجسته اقبالان و نیکو فعلان و
روز و شب طاعت گذاران و خاصه دستوران و موبدان و هیربدان و
بهدینان ساکن ولایت کرمان زمین و یزد و ترکاباد وغیره پیوسته
در آیین آئین و رواج بهار دین به مازدیسنان مقید و سرگرم بودن شاد
کام و مقضی المرام دین وه مازدیسنان باشند و از ینجا نیان و مفلسان
و مشتاق دیندار هیربد رستم مانک مهره نوش و هیربد داراب پالن
فریدون و دستور زاده رستم بهرام و دستور زاده نوروز شهریار و
دستور رستم ماهیار و هیربد رستم خورشید و هیربد جمشید کیقباد و موبد
آرزومند بدل و جان مشتاق کاتب الحروف دستور زاده رستم جاماسپ
و بهدینان مکرمان خصوصاً بهدین جی جی لهراسپ و بهدین نانابهائی

٩٥

بهیم جی وکنوبیرجی ربهدین رستم دهنجی بوهره وبهدین رستم بن رانا وبهدین رئیس داراب بهرام وبهدین مقدم اسفندیار بن کیقباد ربن خورشید رانا وبهدین شاپور بهیکیا وبهدین خورشید لیم جی ربل تمامی موبدان وهیربدان وبهدینان قصبه نوساری وبندر مبارک سورت وبندر بهروچ ودیگر شهرهای توابع هندوستان جمعی تاجمع ازمهتران تاکهتران بعد ازاخلاص یکجهتی ومراسم ثنا ودعا گویی وآفرین خوانی ودرود وتحیات واظهار هزارگونه اشتیاق ملاقات بهجت سمات یکدیگران مکشوف برضمیر منیر مهر تنویر خورشید نظر کیمیا تاثیر میگرداند که بعضی رااواجهای دین به مازدیسنان باینجانبان اختلاف بعمل میاید دراینصورت مناقشها میان دستوران وبهدینان مدام درپیش است بنابران بکرامی خدمت

سعادت

سعادت آن بزرگان مقیدعه میگردد وامیدکه از میان مناقشهای
مرقومه یکبیک وارسیده وخوب غورسی وغواصی نموده از وندیداد
وازند و زیرآن بامعنی درفارسی بفرخ بست بنام دستوران
ودانشمندان فرمایند که متابق آن بعمل آرند که غرخشه و مناقشه از
میان یکدیگران برخیزد تا شک وشبهه دورگردد وتسلی خاطر ودل
روشن بشود و دیگر مکتوب و پرسش چندکه چهار وپنج مرتبه بانجانبان
نوشته بودند اما جواب باصواب یکی سرفراز و ممتاز نشده امیدکه
ازان پرسشهای کماهو مطلع شده وارسال نمایند که بموافق آن بعمل
آورده و همیشه بدعاگوی ابدپیوند آن بزرگان باشند واز ایزد بی
همتا استدعا و امید چنانست که وسیله برانگیزد که دوستان و
یکجهتان دین بهی با هم فراهم آیند وذات ملایک صفات والا درجات

آن اقبال و اجلال پناهان در مسند عزت و دولت متمکین داشته
پیوسته سربلند گرداناد و آگهی آفتاب عالمتاب دولت روزافزون
و همواره بر مفارق جمع دوستان تابنده درخشان باد ایدون باد
ایدون تر ج باد زیاده چه بی ادبی نماید جهان تابع امر بوده و مرادات
نو بنو حاصل و سعادات جاودانی متوصل باد
پرسش اول اینکه کسی که گذشته شود و او را کفن می پوشانند و وقت
کفن دادن یک پارچه کرباس یعنی پنام بر بینی و دهن می بندند و پس
کفن بر بر و میگویند که در زند و پزند و نیرنگ ... هم خدایتعالی
بزرتشت اسفنتمان فرموده است که مرده اش را پنام بستن درست
است و بعضی هیربد میگویند که معنی و نیرنگ درست است یا این
روایت درست پس معنی هر دو را با جواب سرفراز نمائید چرا که دین

مانک‌جی

ما بپاکی رسته است

پرسش دوم اینکه چون آدم را وقت مردن نزدیک آمد و هنوز که کسی
یکدو دم زنده است و یا جان بیرون رفت آنوقت در بهدین مرد واج
سروش و پیوند هر دو شده و سگدید کرده و آن مرد متو قارا میکرد و کفن
میپوشانند و بعد در خانهٔ پاک کش کرده و آن مرده را میگذارند و بعد خود
را غسل نمیکنند و میگویند که در وقت زنده این را که گفتم غسل واجب نیست
و بعضی میگویند که تا جان است پاکست و وقتیکه جان رفت نسا شد
و درین باب روایت شهادت میدهد که ریمنی در آن زمان بتر است
که جان از تن بیرون رفت و اینچنین در روایت مرقوم است بنابران
بگرامی خدمت قلمی نموده میشود که هر دو شخص بهدین را غسل واجب میاید
یا نه   پرسش سیم اینکه اگر نیکان اشو روانان مردان که بروزگار

خود نه هزار و نهصد و نود نه کر میاید آنوقت موبدان کر آفرینگان کنند

بخشنومن [illegible] . [illegible] . خوانده تا اشم

نمانه باید یا [illegible] . باید وجر چون

پرسش چهارم اینکه جشنهای چندکر فرموده است بمثل آنکه آبان

ماه مبارک و روز آبان و ماه مبارک آذر و روز آذر این طرز جشنهای

چندکر روز و ماه یک جامی افتد آنزمان جشن فرموده است این چه

سبب است خدای تعالی دران چه چیز پیدا آورده است و اهر جشن

چه معنی دارد پرسش پنجم اینکه روز اسفندارمد و ماه اسفندارمزد

امشاسفند موبدان درون کرمی یزند خشنومن هفت امشاسفند میخوانند

و روز خرداد و ماه اسفندارمزد کر درون می یزند بخشنومین کاتها کرمیخوانند

این چه معنی دارد اینجا کاتها چه چیز است و این کاتها بغیر پنجی و ه نمایه

و در اسفندارمزد ماه و روز خرداد کاتها خواندن چه سبب دارد

پرسش ششم اینکه سگ را درون لیشته دادن و خوردن رواست یا نه

پرسش هفتم اینکه چون کالبد اشوزرتشت اسفنتمان در دخمه بلخ نهاده

است و آن در روز رستاخیز همین کالبد زنده میشود یا مانند دیگر است

اشاره درین باب فرمائید پرسش هشتم اینکه چون اشوزرتشت

اسفنتمان از پیش یزدان هیربد آموزند یا از آسمان فرود آمده و درین

گیتی هیربد شدند و اول کار برشنوم چگونه پیدا شدند

پرسش نهم اینکه چون دستوران ایران زمین در باب آهرمن نوشته

فرستاده اند که آهرمن درو ند با پیدایش آهرمنی در یوم رستاخیز نیست

و نابود خواهد شد و در زند اوستا برشنی بمعنی چنان نوشته چنان

شده است که آهرمن دروند پشیمان خواهد شد و از نصیحت بهمن امشاسفند

دین یزدان را قبول خواهد کرد آن لفظ نیرشتنی اینست [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] درین باب بزرگان

همچنین که پیام بستن مرده کرده بفرموده اند پرستش دهم اینکه کسی

در هفت کشور زمین پادشاه میشود بغیر از خدا تعالی کسی پادشاهی

نمیدهد چراکه او در هر کار توانا و قادر است و هرچه میخواهد است میکرد

و هرچه میخواهد میکند و پس پادشاه عادل و ظالم را هر دو کس خدا میدهد

یا آنکه ظالم را کسی دهنده دیگر است مثل افراسیاب و ضحاک آن

هر دو پادشاه ظالم بودند و این پادشاهی از که یافت از معنی زند و

اوستا

اوستا معلوم فرمایند که خاطر اینجانبان می شود پرسش یازدهم اینکه
چون مرد برشنوم گرفت و میخواهد که کسی دیگر را برشنوم و نهشوه بدهد
و برشنوم کن و برشنوم گیر هر دو به برشنوم گاه رفته اینجانب مرد برشنوم
کن خود را غسل که کند بعد از برشنوم کند یا پیش از برشنوم دریناباب
اعلام فرمایند قبل از این نیاز نامه چند که بخدمت مرسله داشته یقین
که بنظر کیمیا اثر در آمده باشد لهذا امید میدارد که نوعی کرم و مهربانی
پیوسته از حقایق احوال فرخ فال قلمی نموده بخدمات و رجوعی اینجانبان
سرفراز و ممتاز فرمایند زیاده نوشتن ترک ادبست الهی تا ادوار
لیل و نهار بوده پاینده و مستدام باد برقرار کامکار باشند بر عالم عالمیان
آدم آدمیان مبارک و مسعود باد بحق الحق زرتشت اسفنتمان
تحریر فی التاریخ التاریخ روز اول اورمزد ام اسفند و ماه مبارک امرداد
ماه قدیمی سنه ۱۰۸۹ یکهزار و هشتاد و نه یزدجردی و بیست و یکم شهر محرم الحرام

سنه ۱۱۳۲ هجری :. هر که ما را کند به نیکی یاد :. نام او در جهان به نیکی باد :.
هر کس که ز ما سلام جوید :. کاغذ هم را مدام گوید :. آرزومند دیدار
بجان و دل محب المشتاق کاتب الاتنا الحروف بهدین منوچهر ولد
بهدین رستم دهنجی بهرام که قبول افتد زهی عز و شرف
آرزومند دیدار فرخنده آثار دستور مانک مهرنوش
آرزمند دیدار هیربد داراب فریدون دعای تحیات فی مایاب مطالعه نمایند
المستاق دیدار قدر دان طلب هیربد رستم هیربد خورشید هیربد اسفندیار
ساکن قصبه فرخنده در بندر سورت تحریر یافته در حالت بیماری قلمی شده
است روادارند

مستاق دیدار بهدین داراب بهرام
آرزومند دیدار بهدین ناهان بهای بهیم جی

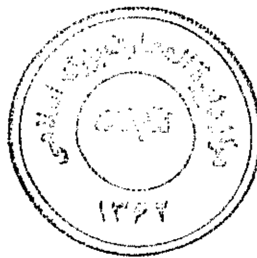
تمام شد این نامه که از هندوستان با یران فرستاده بود درباب پرسش
دین و نقلش در کتابخانه ملا فیروز است ازان نقل کردم کاتب و مالک
این ایرج دستور سهراب جی بن دستور کاوس جی مهرجی رانا بروز
بهرام بماه تیر سنه یکهزار و دوصد و چهل وسه یزدجردی ۱۲۴۳

Rana.

The ms has been described in detail by B. N. Dhabhar Descriptive catalogue of all mss...Meherji Rana Library - Navsari, Bombay 1923, 15-17.

Kaikhusroo M. JamaspAsa

the page on white and blue paper. It contains a collection of miscellaneous texts, a number of them in Gujarati, the majority of which have not been published in the present edition. The texts included here are the ritual of the Nīrangdīn, the Pahlavi colophon found at the commencement of the Yasna in the ms of Hoshang Shiavax, the implements used by priests, warriors and husbandmen, the implements used in the Yasna ritual, ceremonial preparation of the water (āp-zōhr) and the ritual cleaning of the Haoma twigs, nīrangīhā i urvisgāh (ceremonials preparatory to the Yasna ritual) and a letter addressed to the Dasturs of Iran by the Dasturs and laymen of India on the day Hormazd month Amardad, A.Y. 1089 (=A.C. 1720). All the texts, which have individual colophons appended to them, have been transcribed by Dastur Eruchji Sohrabji Meherji



I n t r o d u c t i o n

F23 in the collection of manuscripts presented by Dastur Eruchji Sohrabji Meherji Rana to the First Dastur Meherji Rana Library, Navsari. The ms (20.5x15 cms) contains 212 pages generally written 10 lines to

Corrigenda to English Introductions

Serial No.	Ms.	Page	Line	Incorrect	Correct
2	R410	1	9	by him	by him for
		1	15	N.Y.	A.Y.
		2	4	1-22	§§1-22
		2	6	pp.	p.
		2	9	to	of
		2	21	and	und
3	D7	1	2	33.8x21.cms	33.8x21.4 cms
		1	4	Fium.	Fiume'.
		1	18	Pahlaci	Pahlavi
		1	22	writen	written
		1	23	nimbered	numbered
		1	27	ma	ms
		1	29	90 7	90§7
		2	1	Bomby	Bombay
		2	6	hte	the
		2	23	Bombay, July 12,1975.	delete
7	J4	1	3	218	216
		2	1	202-218	202-216
		2	3	Framars	Framarz
8	J3	1	3	112	113
		1	19	1-3,5	1-3,45
		2	1	pp.89-112	pp.90-113
9-10	D10a	1	4	and	and contains 744 pages,
11	TD28	1	4	Page	Pages
		2		Maikhusroo	Kaikhusroo
14-15	R115	1	29	or	of
		2	26	amongest	amongst
16	J2	1	3	299	305
		1	19	Hanzangrem	Hazangrem
		1	24	versian	version
		1	26	23	§23
		1	33	25-28	§§25-28
17-18	R413	1	10	Meher	Mohor
23	R411	1	25	1889	1896
24	MU27	1	7-8	versians	versions
		2	3	Paris	Parsi
25	T65(a)	1	14-15	Kaurshed	Khurshed
26	MU29	1	5	158	161
		1	8	109	112
		2	1	millenium	millennium
		2	10	fo	of
28	T3	1	1	t	to
		2	10	hous	house,
29	D39	1	7	vovers	covers
		2	11	Tehen	Then
31	F25	2	4	158,1.7-12:	157,7-12:
		2	24	217,1.8-218	217,8-218
32	F11	1	18	cophist	copyist
		2	2	abbreciated	abbreviated
33	D3	1	1	of	is
		2	1	32-38,3	32-78,3
		2	16	Xaxvan	Saxvan
		2	21	text	texts
		3	6	149,6	139,6
		3	14	modle	model
34	F35	1	1	Mehrji	Meherji
		1	5	of	of the
		1	5	116	115
38	MU35	1	2-3	Meherbai	Meherbai N. Dordi

Printed by Pahlavi University Press in Shiraz.
1976 .

The Pahlavi Codices and Iranian Researches

Manuscript F 23

NIRANGDIN, IMPLEMENTS USED BY PRIEST, WARIORS AND HUSBANDMEN, PREPARATION OF AP-ZOHR. ETC.

Edited by :

Dastur Dr. Kh. M. Jamasp Asa Professor Mahyar Nawabi

With the technical assistance of

Dr. M. Tavousi



Published by the Asia Institute of Pahlavi University

36

Shiraz. 1976